



نگاه مقتدرانه

کسری صادقی زاده



قاطعیت، معرفت و لوطی منشی، مدیر و پدر بودن، شاید تنها بخشی از صفاتی هستند که از مدیر وقت دبیرستان شهید آیت الله مدنی در ذهن دارم؛ جورابچی که در شمیران به حاجی جورابچی یا حاجی معروف است، مدیر دبیرستانی است که انصافاً حق والایی نه تنها در رشد علمی امثال بنده تا دوره دکترا داشته، بلکه بیشتر از آن، نمونه در دسترسی از سبک مدیریتی انسان ساز و تربیت محور است.

خوب به خاطر دارم، تا چندین سال پس از تحصیل در دانشگاه، براساس عادت‌های حاج آقا جورابچی در امثال بنده پرورش داده بودند، بدون هیچ خجالتی و با افتخار، زباله‌های افتاده در محوطه دانشگاه را از روی زمین جمع می‌کردم. این امر موجب تعجب کارکنان خدماتی در دانشگاه هم شده بود.

صبح‌ها هنگامی که در مسیر مدرسه در حال حرکت بودیم، گاه و بی‌گاه شاهد نظارت مستقیم حاجی، چه در ماشین پیکان جوانان طوسی رنگش در خیابان و چه در ایوانک (بالکن) مغازه‌های مجاور مدرسه، بودیم که با آن نگاه مقتدرانه همیشگی‌اش، بدون یک جمله و کلمه، تا مغز استخوان به ما می‌فهماند تحت هر شرایطی حواسش به ماست و ما باید به اصول دانش آموزی، آن هم به سبک مدرسه شهید مدنی، پایبند باشیم.

بنده در سال سوم متوسطه مبصر کلاسمان بودم. به همین علت بیشتر از بقیه دانش آموزان به دفتر مدرسه رفت و آمد داشتم. حاجی به ما اعتماد می‌کرد و گاه کلید گاوصندوق مدرسه را به ما می‌سپارد تا مهر مدرسه یا سایر اقلام مورد نیازش را برایش بیاورم. یک بار که در دفتر مدرسه بودم، ناخواسته شاهد مکالمه والدین یکی از دانش آموزان با حاجی بودم که داشتند از فقر مالی و نداشتن بضاعت پرداخت شهریه مدرسه برای حاجی توضیح می‌دادند. حاجی تا فهمید ایشان از طبقه آبرومند و تنگ دست هستند، صحبت‌هایشان را قطع کردند و گفتند مگر من اصلاً از شما شهریه خواستم؟ این دیگر عرصه من است که از منابع گوناگون هزینه‌های جاری مدرسه را تأمین کنم. شما فقط حواستان به فرزندتان باشد و نگران شهریه مدرسه نباشید.

در مدرسه شهید مدنی، به برکت درک چنین شخصیتی، آموختیم در هر شرایطی خودمان باشیم. در لایه نفاق و دورویی نرویم، به اصول جوانمردی و انسانیت پایبند باشیم و حتی اگر اعتقادات عمیق و ریشه دار مذهبی نداریم، در یک کلمه حر باشیم.

با اینکه در رشته مدیریت بی مطالعه نبودم، ولی تحلیل سبک مدیریتی حاجی جورابچی کمی سخت به نظر می‌رسد. شاید از منظر اصطلاح‌شناسی (ترمینولوژیک)، از نزدیک‌ترین سبک‌های مدیریتی به سبک حاجی، مدیریت انسانی باشد که خروجی بارز آن بر انسان پروری تمرکز دارد و جنبه‌های گوناگون انسانیت در آن از برجستگی ویژه‌ای برخوردار است.

در آن دوره خیلی از دانش آموزان از بیم توبیخ حاجی به رعایت نظم و قانون تن می‌دادند، اما تا امروز نشده است به هم کلاسی‌ای برخورد کنم و وقتی که ذکر خیر حاج آقا جورابچی

جورابچی یا حاجی
مدیر دبیرستانی
است که انصافاً
حق والایی نه تنها
در رشد علمی
امثال بنده داشته،
بلکه بیشتر از آن،
نمونه در دسترسی
از سبک مدیریت
انسان ساز و
تربیت محور است



با آن نگاه مقتدرانه
همیشگی‌اش، بدون
یک جمله و کلمه،
تا مغز استخوان
به ما می‌فهماند
تحت هر شرایطی
حواش به ماست
و ما باید به اصول
دانش‌آموزی، آن
هم به سبک مدرسه
شهید مدنی، پایبند
باشیم

می‌شود، از وی به‌عنوان انسانی حر و آزاده یاد نکنند. با اینکه ما در مدرسه‌ای دولتی در منطقه یک شهر تهران در حال تحصیل بودیم، ولی از نظر آموزشی هم کارکنان و معلمان مدرسه شهید مدنی جزو قوی‌ترین‌های منطقه به شمار می‌رفتند. در واقع این حاجی بود که با ایجاد بستر مناسب و مورد رضایت معلمان توانسته بود محیطی فراهم آورد که معلمان برجسته با وجود تفاوت‌های بارز در دریافتی، به نسبت مدرسه‌های غیرانتفاعی سطح منطقه، بدون هیچ تردیدی دبیرستان شهید مدنی را انتخاب کنند. دفتر مدیر با گل و گیاه آراسته شده بود که با یک عبارت بر ذهن و دل هر مراجعه‌کننده‌ای حک می‌شد: «چه لذت‌های زودگذر که غصه‌های طولانی در پی خواهد داشت» که باید به امیر مؤمنان منسوب باشد.

بوی خوش آبگوشتی هم که برخی روزهای هفته آقا محمد (بابای مدرسه) بار می‌گذاشت به همراه سیرترشی، تا الان در یاد ما مانده است. خلاصه منظور من این است که معلم‌ها مدرسه مدنی را خانه دوم خود می‌دانستند و با انگیزه دیگری در کلاس درس حاضر می‌شدند.

کسانی که در مقوله توسعه و پیشرفت نظریه‌پردازی می‌کنند، می‌دانند که رکن اساسی توسعه در جامعه‌های امروزی بر منابع انسانی فربه و پرمایه متمرکز شده است و دقیقاً اینجاست که حاجی جورابچی و امثال ایشان که در نظام آموزش و پرورش ما کم هم نیستند، جایگاهی برجسته و کلیدی دارد که در سپهر تعلیم و تربیت این مرز و بوم خوش می‌درخشد.

از حال و روز حاجی بی‌خبر نیستم و گاهی با ایشان پیام‌هایی ردوبدل می‌کنم و

برایش از خاطرات قدیمی که جنبه طنز بالایی داشتند، می‌نویسم. می‌دانم سرش حسابی به نوه‌داری گرم است و با عشق در حال پرورش آن‌هاست.

امیدوارم هر کجا هست خداوند سایه‌اش را بالای سر ما شاگردان و خانواده محترمش حفظ کند. به‌شخصه بهترین‌ها را برایش آرزو مندیم.

